

دیدگاه

شماره: ۸۰۱	موضوع: اصلاح نظام بانکی پیش شرط بهبود کارایی بازارهای مالی در اقتصاد ایران
تاریخ: ۱۳۹۶/۰۵/۰۲	

تهیه و تنظیم: دکتر علیرضا گرشاسبی

توضیح اجمالی:

بر اساس گزارش رقابت پذیری ۱۷-۲۰۱۶ مجمع جهانی اقتصاد در زمینه سطح توسعه یافتگی، بازارهای مالی، اقتصاد ایران در میان ۱۳۸ کشور، جایگاه ۱۳۱ را به خود اختصاص داده است که حاکی از ناکارآمدی نسبی بازارهای مالی ایران است. با توجه به اینکه، زیرمرفه های مهم سطح توسعه یافتگی بازار مالی همچون سهولت دسترسی به تسهیلات، استحکام مالی بانک ها و هزینه خدمات مالی مرتبط با نظام بانکی است و نیز نظام تامین مالی در کشور بانک محور است، این امر دلالت بر این دارد که عمده علت ناکارایی بازارهای مالی کشور ناشی از کارکرد نظام بانکی کشور است. از طرفی، بررسی عملکرد شاخص های پولی در اقتصاد ایران و مقایسه آن با متوسط کشورهای منطقه و جهان نشان می دهد که هرچند کشور از لحاظ تعداد واسطه های مالی (سرنانه شعبات بانک و ATM ها) در مقایسه با سایر کشورها وضعیت بهتری دارد، از منظر کیفیت واسطه گری مالی، عمق مالی و هزینه های تجهیز منابع در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

۱- بانک ها به جای آنکه با استفاده از ظرفیت شعبات فراوان به نقش واسطه گری مالی (تعیین رتبه اعتباری مشتریان، ارزیابی ریسک پروژه ها، ارائه خدمات مشاوره ای مالی و ...) بپردازند، صرفاً عامل انتقال وجوه هستند. این امر زمینه ساز افزایش مطالبات غیرجاری بانک ها تا سه برابر متوسط کشورهای منطقه و دنیا بوده است.

۲- به رغم رشد بالای نقدینگی در کشور در دو دهه اخیر (متوسط ۲۵ درصد)، شاخص عمق مالی در مقایسه با سایر کشورها پایین است که این امر حاکی از عدم تخصیص بهینه منابع به سمت فعالیت های مولد است. سلطه مالی دولت و گستره مداخلات دستوری دولت در سیاست های پولی و اعتباری عملاً امکان عمق بخشی به بازار مالی را محدود کرده است. علاوه بر این، فقدان سیاست صنعتی منسجم و اولویت بندی سرمایه گذاری های صنعتی خود عاملی دیگری در تخصیص غیربهینه منابع مالی محدود است.

وضعیت ایران در شاخص های پولی بانکی در مقایسه متوسط منا و جهان ۲۰۱۵

مولفه	واحد	ایران	منا	جهان
عمق مالی (نسبت نقدینگی -M2- به GDP)	درصد	۶۸	۸۲/۸۹	۱۲۸/۹
میزان تخصیص اعتبارات داخلی به بخش خصوصی از GDP	درصد	۵۵	۵۶/۰۹	۱۲۸/۱۵
نرخ سود تسهیلات	درصد	۱۴/۲۱	۹/۳	۱۱/۴۲
نرخ سود سپرده	درصد	۱۸	۴/۷	۴/۲۳
نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات	درصد	۱۰/۲	۳/۵۶	۴/۳۴
تعداد شعبات بانک های تجاری (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر)	شعبه	۳۰/۹۸	۱۳/۵۶	۱۲/۷
تعداد ATM به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر	دستگاه	۶۶/۸	۲۷/۹۳	۴۰/۵۵

ماخذ: پایگاه داده های بانک جهانی، بانک مرکزی ج.ا.ا.

۳- هزینه تجهیز منابع مالی برای بانک ها در ایران (عمدتاً به سبب بالا بودن نرخ سود سپرده بانکی) در مقایسه با سایر کشورها بالا است و این امر استحکام مالی بانک ها و کفایت سرمایه آنها را به چالش کشیده است. در کنار بالا بودن نرخ سود سپرده بانکی، مواردی دیگری همچون نرخ سود بازار بین بانکی (حدود ۲۰ درصد در ماه های اخیر) و نرخ بالای ۲۰ درصدی اسناد خزانه اسلامی در سال ۱۳۹۵ (به عنوان بازار موازی و رقیب با بانک ها در جذب نقدینگی)، بالا بودن نرخ اضافه برداشت از بانک مرکزی (۳۴ درصد) هزینه تجهیز منابع بانک ها را به شدت افزایش داده است. از منظر وام گیرندگان نیز به سبب عدم تعدیل نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با تورم در دوره ۹۵-۱۳۹۲ نیز هزینه مالی در سطح بالایی باقی مانده است. با توجه به بازدهی محدود فعالیت های مولد، این امر سبب می شود که منابع بانکی به سمت بخش های غیرمولد سوق یابند.

نکات کلیدی:

باید توجه داشت که ارائه راهکارهای مناسب برای اصلاح نظام بانکی از دو منظر تغییر در پارادایم و رویکرد (با ماهیت میان مدت و بلندمدت) و راهکارهای عملیاتی در ظرف رویکرد و پارادایم موجود (ماهیت کوتاه مدت) قابل بررسی است.

رویکرد میان مدت و بلندمدت: مهمترین رویکردهای کلی برای تغییر پارادایمی در نظام بانکی کشور شامل تدوین برنامه ای جهت استفاده از ظرفیت های نهادهای مالی خارجی، اصلاح رابطه دولت با نظام بانکی از طریق کاهش تسهیلات تکلیفی و رفع سهم های اعتباری، آزادسازی تدریجی نرخ های ارایه خدمات مالی، برنامه ای روشن برای تقویت نقش واسطه گری مالی از طریق آموزش های کاربردی، تنوع بخشی به واسطه های مالی، یکپارچه سازی نظارت در بازار مالی و برجیدن موسسات مالی که ساختار مالی آنها ادامه فعالیت شان را غیرقابل توجیه می کند، خواهد بود.

رویکرد کوتاه مدت: با توجه به شرایط موجود برخی از سیاست های کوتاه مدت برای اصلاح نظام بانکی در چارچوب راهکارهایی همچون تعدیل نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با تورم در سیاست های پولی سال ۱۳۹۶، استفاده از ظرفیت نظام سیاسی برای کاهش مطالبات غیرجاری، کاهش وضع تسهیلات تکلیفی دولت بر نظام بانکی و اعمال سیاست های تکلیفی صرفاً از طریق بانک های تخصصی و از طریق وجوه اداره شده (تفکیک فعالیت های بانک های توسعه ای و تجاری)، تدوین برنامه ای برای استفاده از ظرفیت منابع مالی خارجی در پسابرجام، اولویت بخشیدن به تقویت بانک های دولتی و بهبود نسبت کفایت سرمایه آنها قابل اتخاذ است. علاوه بر این، از دیگر توصیه های سیاستی کوتاه مدت اصلاح نظام بانکی می توان به اصلاح قانون پولی و بانکی با هدف امکان کاهش کف نسبت سپرده قانونی (برای بانک های با استحکام مالی بالاتر)، برنامه ریزی برای کاهش بیشتر نرخ سود بازار بین بانکی به منظور کاهش هزینه های تجهیز منابع، محدود کردن تقاضای تسهیلات بانکی برخی از نهادهای شبه دولتی از طریق افزایش سهم آنها از تامین مالی بازار سرمایه، قیمت گذاری منطقه ای اوراق خزانه در جهت کاهش نرخ سپرده های بانکی و کاهش هزینه های تمام شده پول، تقویت مکانیزم های بیمه سپرده جهت کاهش بحران مالی بانک ها و موسسات مالی غیردولتی و در اولویت قرار دادن تقویت سرمایه بانک های دولتی به عنوان یک الزام کلی اشاره کرد.



دیدگاه